

یکی از جریان‌های عمده شعر فارسی که اندک زمانی پس از پیدایی و شکل‌گیری شعر فارسی به وجود آمد، شعر عرفانی بود. قدیمترین تجربه شعر عرفانی به اواخر سده چهارم مربوط است، اما حلقه‌هایی از این زنجیره مفقود شده است و امیدواریم که کوششهای محققان عرفان و تصوف در یافتن این حلقه‌های مفقود به سرانجام برسد. سنایی غزنوی نخستین شاعری بود که توانست به این جریان شعری هویت حقیقی ببخشد و آن را برای همیشه بیمه کند. حکیم غزنه به دلیل چند ساحتی بودن شعر او، بی‌جمال‌ترین چهره فارسی است. چه «حدیقه سنایی سرآغاز نوی از شعر است و قصاید او نیز سرآغاز نوعی دیگر و غزلهایش نیز حال و هوایی متمایز از غزل‌های قبل از وی دارد. کمتر شاعری را می‌توان سراغ گرفت که در چندین زمینه شعری، «سرآغاز» و دوران ساز epach maker به شمار آید»^۱ اگر چه مولوی و عطار در سده‌های بعد از صدر شعر عرفانی‌اند و در حکم صد و نود این جریان به حساب می‌آیند، اما با این همه اینان و بسیاری شاعران دیگر وام‌دار سنایی هستند «چه اگر می‌بینیم که جلال‌الدین مولوی با چنان شیفتگی و حرمتی از حکیم غزنوی یاد می‌کند، ادای حق واجب است در مورد او و به هیچ روی از نوع تعارف‌های مرسوم میان قدما نیست»^۲

براستی شعر و اندیشه سنایی آبشخور بسیاری از شاعران از جمله مولوی بوده است و به همین سبب است که جلال‌الدین بلخی می‌فرماید: «هر که به سخنان

عطار مشغول شود از سخنان حکیم مستفید شود و به فهم اسرار آن کلام رسد و هر که سخنان سنایی را به جدّ تمام مطالعه کند بر سر سنای سخنان ما واقف شود»^۳ پس با التفات به آنچه گفته شد شناختن و شناساندن حکیم غزنه از بایسته‌ترین حوزه‌های تحقیق و پژوهش است.

خوشبختانه در سال گذشته دو اثر ارزنده در باب سنایی منتشر شد، نخست کتاب حکیم اقلیم عشق^۴ و دو دیگر افق‌های شعر و اندیشه سنایی غزنوی. کتاب نخست ترجمه *of piety and poetry* تألیف دیروین هلندی است. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران این کتاب بهترین اثر تحقیقی است که توسط مستشرقان درباره سنایی نوشته شده است.

کتاب افق‌های شعر و اندیشه سنایی غزنوی علی‌الظاهر پایان‌نامه تحصیلی دوره کارشناسی ارشد مؤلف بوده است که در این مقال به بررسی و ارزیابی کلی این اثر می‌پردازیم. نخست گزارشی اجمالی از کتاب ارائه می‌شود و آنگاه در باب محاسن و مساوی اثر سخن خواهد رفت و داوری نهایی با خواننده است. کتاب در برگزیده پیش‌گفتار و مقدمه و چهار بخش است به‌اضافه گزیده‌ای از حدیقه و توضیح مختصری از آن و پایان بخش کتاب نیز فهرست منابع و مأخذ کتاب است. نویسنده در پیش‌گفتار کتاب (۷ - ۹) از ضرورت انجام این کار سخن رانده و متذکر می‌شود که «جای خالی کتابی که کلیات اندیشه سنایی را به گونه‌ای دقیق و مبتنی بر یک تحقیق علمی بر ادب دوستان و دانش‌پژوهان تبیین نماید» سلسله جنبان وی در انجام این مهم بوده است. در مقدمه اصلی کتاب که عنوان اصلی کتاب را بر خود دارد درونمایه‌های اصلی شعر و اندیشه سنایی در هشت قسم طبقه‌بندی شده است:

درونمایه‌های عرفان عابدانه، عرفان عاشقانه، دینی و وعظی و اخلاقی، انتقاد اجتماعی با چاشنی طنز، مدح، تمغّل و حکمت، هجو و هزل. (۱۰ - ۱۶)

بخش نخست کتاب که حجیم‌ترین بخش کتاب است (۱۷ - ۱۴۳) دربرگیرنده ۱۲ فصل درباره خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و آخرت‌شناسی شاعر است. عناوین این فصول عبارت‌اند از: ۱- «از ماورای هستی» درباره خداشناسی ۲- «روی و آینه» درباره جبر و اختیار و قضا و قدر و حکمت بالغه الهی ۳- «در قلمرو معرفت»، درباره معرفت در نزد صوفیه و حدود توانایی انسان در آن و انواع آن ۴- «عالم کبیر» در باب جهان‌شناسی شاعر ۵- «عالم صغیر» دربرگیرنده انسان‌شناسی و مسائل مربوط به آن ۶- «کلبه میان کاواک» در تصویر دنیا از نگاه سنایی ۷- «آسمان علم»، در باب علم و اقسام آن ۸- «درباره اخلاق» ۹- «از حوزه شریعت» ۱۰- «فراتر از قال» در باب حالات عرفانی مثل شوق، قرب و سکر و صحو... ۱۱- «مباحث دیگر» یعنی پیر، کرامات و... ۱۲- «سرای باقی» در باب مرگ و تجسم اعمال و بهشت و آخرت. بخش دوم اختصاص دارد به «سلوک عملی» و دربرگیرنده دو فصل «راه آسمان» و «دنباله راه آسمان» که در آنها از مقامات و میدان‌های سیر و سلوک و آداب مختلف طریقت بحث شده است. (۱۴۷ - ۱۶۸) و بخش سوم درباره «عرفان عاشقانه در غزلیات» در شرح عشق و عاشقی و مباحث مربوط به آن است. (۱۶۹ - ۱۷۹)

بخش چهارم کتاب، «عرفان عاشقانه در قلندریات» در باب فرم و محتوای قلندریات و خرابیات و مباحث قلندری در شعر سنایی است. (۱۸۱ - ۱۹۲) پایان بخش کتاب گزیده‌ای ۵۵۸ بیتی از حدیقه‌الحقیقه است به همراه توضیحات ابیات آن که بسیار مختصر و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حبیب‌الله عباسی
روی و آینه

موجز است (۱۹۳ - ۲۱۹) و در پایان فهرست منابع و مأخذ آمده است.

زرقانی در تألیف کتاب رنج بسیاری را متحمل شده‌اند و الحق با توجه به موقعیت خود توانسته‌اند کاری ارزنده در باب سنایی انجام دهند که دارای محاسن چندنی است. از بارزترین ویژگی‌های عمده کتاب روش مندی کتاب است. مؤلف با اتخاذ یک رویه و شیوه خاص به استقصای بن مایه‌های فکری و اندیشگی شاعر در آثار مسلم وی پرداخته و موفق شده تا طبقه‌بندی نسبتاً مطلوبی از عمده‌ترین بن مایه‌ها و مفاهیم عمده شعر سنایی ارائه دهد که با مطالعه آن می‌توان تصویر کلی از اندیشه شعری شاعر در ذهن داشته باشیم. زرقانی برخلاف شیوه معمول در مطالعات ادبی و تدریس آن که در دانشگاه‌های کشور ما معمول است و مصداق «حفظت شیئا و غایت عنک الاشياء» می‌باشد، رفتار کرده و به کلیت اندیشه شاعر در سطح کلان پرداخته است و با توجه به این اثر می‌توان دریافت که یکی از ویژگی‌های عمده شاهکارهای ادبی جهان که «رمندگی مطالب و مفاهیم» باشد در شعر سنایی متجلی است. و مؤلف توانسته با تلاش خود این آهوان رمنده معنی را صید کند و طبقه‌بندی نماید. نکته دیگری که درباره این کتاب گفتنی است گزینش عناوین گویا برای هر فصل است که صدرنشین شدن مضراع یا بیته در آغاز هر فصل این حسن را دوچندان کرده است.

اگر در کنار این محاسن و مزایای دیگر کتاب، کاستی‌ها و سهوهایی نیز در آن به چشم می‌خورد که متأسفانه تا اندازه‌ای چهره زیبای کتاب را مخدوش می‌سازد و زحمات مؤلف را گاهی تحت الشعاع قرار می‌دهد. نگارنده مقال نکاتی را در این خصوص یادآور

می‌شود که اگر مؤلف ارجمند آنها را وارد دانست در چاپ بعدی اعمال کند و در کارهای بعدی خود نیز به این موارد عنایت داشته باشد، چه وی جوان است و آینده‌ای روشن فرا روی او.

برای پرهیز از اطالۀ کلام ایرادها و پیشنهادهای خود را فهرست وار ذکر کرده و از ذکر تمام نمونه‌ها امتناع می‌کنیم و به ذکر برخی از شماره صفحه‌ها بسنده می‌شود.

۱- عدم مستندسازی و استفاده از منابع دست اول

نویسنده در صفحه ۳۱ مدعی است که سنایی در مسأله جبر و اختیار و قضا و قدر گاهی به اشاعره نزدیک است و گاهی «از آنها فاصله گرفته و به موضع شیعیان نزدیک می‌گردد». اما سندی ارائه نمی‌دهد و اگر هم در جای دیگر برای آگاهی خواننده خود مأخذی در باب اشاعره داده کتاب آشنایی با علوم اسلامی شهید مطهری است. ص (۲۰) بسا در صفحه ۴۷ از مثل افلاطونی و تمثیل غار و سایه سخن گفته، اما از سند خبری نیست. در همان صفحه اندکی پایین‌تر نوشته «آنچه در این هرم پنج‌گانه (امر، عقل کل، نفس کلی، ملک، عناصر اربعه) متأثر از فلسفه یونانی است، وجود سه عنصر عقل کل، نفس کلی و عناصر اربعه است» که باز هم فاقد مأخذ و سند است. و یا در صفحه ۴۸ که از تشابه آراء سنایی با عقاید و آراء فلوپین بحث می‌کند، به جای ارجاع خواننده به آثار فلوپین که به زبان فارسی ترجمه شده به مأخذ دست دوم «درآمدی بر فلسفه فلوپین» احواله می‌کند. و یا در صفحه ۵۲ مدعی شده که ریشه اعتقاد شاعر و قدما را در اینکه عناصر چهارگانه «آب، باد، خاک، آتش» تشکیل دهنده جهان هستند «باید در اقوال ارسطو - طبیعیات ارسطو - مشاهده کرد» مأخذ و سندی ندارد.

همچنین تمام مطالبی که از قول ابونصر سراج (مؤلف المم) ذکر شده به نقل از مصباح الهدایة عزالدین محمود کاشانی صص (۱۱۸ و ۱۲۷) است و نویسنده خود به این کتاب مراجعه نکرده است، حال آنکه المم در فهرست پایانی کتاب جزء منابع ذکر شده است. صفحات ۳۳ بند دوم، ۵۶ قسمت ۹، ۱۴۸ قسمت ۲، ۱۶۲ بند اول، ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۷ بند آخر نیز فاقد سند و ارجاع است.

یا در ص ۱۴۱ مدعی شده که «رگه‌هایی از اندیشه خیامی فکر ایرانی در بیانات او دیده می‌شود» و در ص ۱۸۴ نوشته: «نکته دیگر تأثیرپذیری فرولان حافظ است از قلندریات عرفانی سنایی...» اما دریغ از سند و مأخذ و مصداق و نمونه‌ای.

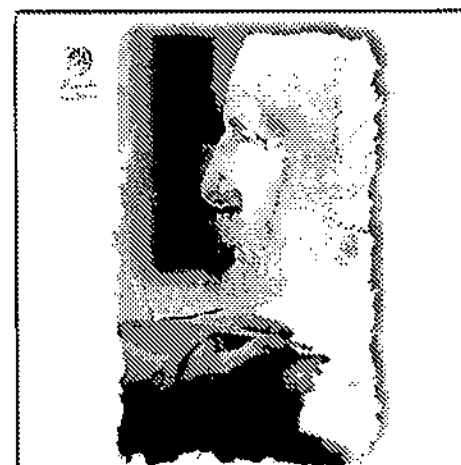
۲- طرح مباحث کلی

گاهی مؤلف مباحث کلی را بدون پرداختن به جزئیات آن طرح می‌کند، که بیشتر به ادعا می‌ماند تا اجتهاد علمی و آکادمیک. از جمله در پیش گفتار آمده که: «آنچه تاکنون درباره شعر و اندیشه سنایی نوشته شده - تا آنجا که من دیدم - محدود می‌شود به شرح لغات و ترکیبات چند غزل یا چند قصیده یا بخش‌هایی از مثنوی‌های او یا حداکثر تعلیقاتی بر ابیات دشوار حدیقه الحقیقه و یا ترسیم تصویر کلی از شخصیت وی که غالباً مبتنی بر شرح واژگان و ترکیبات است.»

اگر در کرد ادعاهای مطرح شده در همین عبارت در پیچم سخن بدرازا می‌کشد و خواننده را در خصوص کتاب‌شناسی سنایی فقط به کتاب تازیانه‌های سلوک صص ۵۲۸ تا ۵۳۴ ارجاع می‌دهیم.

در صفحه ۱۱ آمده: «عمده‌ترین اثر نمادین سنایی مثنوی سیر العباد الی المعاد» است. این مثنوی شرح سفر نمادین یک سالک است از عالم خاک تا ماورای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



افق‌های شعر و اندیشه
سنایی غزنوی

به همراه کزیده‌ای از حدیقه الحقیقه

تألیف: سید مهدی زرقانی

افق‌های شعر و اندیشه سنایی غزنوی

سید مهدی زرقانی

نشر روزگار، چاپ اول: ۱۳۷۸

افلاک...» نمادین خواندن اثری تمثیلی اندکی محلّ تأمل است. تمثیل کوششی است برای قابل فهم کردن تجربه و لذا شاعر یا عارف به یاری تشبیه می‌کوشد تا با تصویرها و توصیف‌ها به عنصر روحانی تجربه‌ای که در آن زیسته و از آن درگذشته هیأتی ملموس ببخشد. به عبارتی دیگر تمثیل پس از تجربه است و برای تصویر و توصیف آن بکار می‌رود، حال آنکه نماد همراه تجربه شکل می‌یابد و به بیانی نماد و تجربه روحانی و شعری با هم زاده و بالیده می‌شوند و محتوای واحدی دارند. نماد برخلاف تمثیل کوششی برای قابل فهم کردن تجربه نیست بلکه خود تجربه است و همان تفسیری را می‌طلبد که تجربه می‌طلبد. و نکته دیگر اینکه در جریان‌های تصوف و عرفان بویژه شعر عرفانی، شاعران دوره اول عموماً از عنصر تمثیل استفاده می‌کنند و کم‌کم از تمثیل به جانب استعاره حرکت می‌کنند و در نهایت به نماد می‌رسند، چنانکه سنایی را می‌توان شاعری تمثیلی خواند و مولوی را نمادگرا.

۳- غفلت از خواننده

نکته بسیار مهمی که در بسیاری از قسمت‌های کتاب، مؤلف از آن غفلت ورزیده، فراموش کردن مخاطب اصلی کتاب است که عموماً دانشجویان دوره کارشناسی‌اند. طرح مباحث کلی بدون اشاره به پیشینه آن و فراهم آوردن بستر لازم باعث ابهام کتاب شده، از جمله آنجا که از تشابه باورها و اعتقادات سنایی با اشاعره و شیعه سخن رفته، خواننده‌ای که سابقه ذهنی از این مسائل ندارد درک آن برای وی دشوار خواهد بود. این امر شاید به سبب آن است که کتاب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده بوده و مخاطبان آن بیشتر استادان راهنما و مشاور بوده‌اند که طرح مباحث کلی نیز

بدون بحث از پیشینه آن توجیه‌پذیر باشد، اما بایسته بود که مؤلف تفسیری در لحن کتاب می‌داد و از اطناب‌های بی‌جا در برخی از قسمت‌ها می‌کاست و در موارد لزوم به طرح مباحث خاص می‌پرداخت.

۴- عوام‌زدگی

گر چه نثر نویسنده تا اندازه‌ای روان و استوار است اما حضور برخی واژگان عوامانه از فخامت نثر کاسته است، از جمله «اینکه دلمان می‌خواهد» ص ۳۷، «حکمت‌آلود، وعظ‌آلود» ص ۷۶، «بیانات» ص ۷۶ و صفحات متعدد دیگر، «تا به مخاطبان خود حالی کند» صص ۱۸۶ - ۱۹۱.

۵- یک دست نبودن ارجاعات

در بسیاری از پاورقی‌های کتاب ارجاعات کتاب حدیقه، عمدتاً به صورت «حدیقه» ذکر شده که گاهی «حدیقه‌الحقیقه» شده و بهتر آن بود که یک صورت رعایت می‌شد و در ارجاع‌های سیرالعباد نیز همین ناهمگونی به چشم می‌خورد. در ارجاع آیات قرآنی نام سوره و عدد آیه بسنده بود و ذکر قرآن مجید در هر پاورقی چندان ضروری نمی‌نماید. البته در متن آیاتی نیز یافت می‌شود که فاقد ارجاع‌اند، از جمله در صفحات ۲۷ و ۳۲.

دیگر آنکه نویسنده به اشتباه سفینه البحار را که از شاهکارهای محدث بزرگ، شیخ عباس بن محمد رضا قمی است به علامه مجلسی نسبت داده است (۲۲۱).

۶- عدم رعایت علایم سجاوندی

در استفاده از نشانه‌های سجاوندی به گونه‌ای سهل‌انگاری و اهمال به چشم می‌خورد. از جمله بارزترین این سهل‌انگاری‌ها عدم رعایت صحیح علامت «گیومه» است که موارد کاربرد آن تا اندازه‌ای

مورد اتفاق همگان است و بخصوص در مورد نقل قول دیگران. مؤلف در صفحات متعدد از دیگران نقل قول کرده است بدون اینکه از علامت گیومه استفاده کند. از جمله در صفحات: ۸۸، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۶۶.

۷- افراط حروف‌نگاری

با توجه به حجم کتاب، اشتباهات چاپی نسبتاً بسیار است و امیدواریم که در چاپ بعدی کتاب، این کاستی و نقص که بسیار هم به چشم می‌آید، برطرف شود.

صفحه ۲۲، ابوبکر محمد کلابادی که درست آن: ابوبکر محمد کلابادی است.

در پاورقی صفحه آمده است: «کنت کنزاً مخفياً...» که صورت صواب آن «انی کنت کنزاً...» است. صفحه ۱۱۲: «سراسر علام پر از زن است» که باید «سراسر عالم...» باشد. و صفحات ۱۰۹، ۸۱، ۵۶، ۴۱، ۱۲۴ و... در پایان برای مؤلف آرزوی توفیق روز افزون می‌کند.

پانویس‌ها:

- ۱- تازیانه‌های سلوک، نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنایی، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۲ ص ۹.
- ۲- همان، ص ۹.
- ۳- مناقب العارفین افلاکی، به کوشش تحسین یازیجی، تهران، دنیای کتاب، ج ۱ / ۲۲۰.
- ۴- این کتاب به وسیله آقایان مهیار علوی مقدم و محمدجواد مهدوی ترجمه شده است و ناشر آن استان قدس رضوی است.

